

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ویراستاری و ارسال: احمد پوپل

۰۶ مارچ ۲۰۲۴

از خطر جستن شرع نبی

بر سر، در کـاروان سرائی
ارباب عمائم* این خیر را
گفتند که و اشریعتا، خلق
آسیمه سر از درون مسجد
ایمان و امان به سرعتِ برق
این آب آورد، آن یکی خاک
ناموس به باد رفته‌ای را
چون شرع نبی از این خطر جست
غفلت شده بود و خلق وحشی
بی پیچه* زن گشاده رو را
لب های قشنگ خوشگلش را
بالجمله تمام مردم شهر
در های بهشت بسته می شد
می گشت قیامت آشکارا
طیر از وکرات* و وحش از جحر*
این است که پیش خالق و خلق
با این علما هنوز مردم

تصویر زنی به گچ کشیدند
از مخبـر صادق شنیدند
روئی زن بی نقاب دیدند
تا سر در آن سرا دویدند
می رفت که مؤمنین رسیدند
یک پیچه ز گل بر او بریدند
بایک دوسه مشت گل خریدند
رفتند و به خانه آمدند
چون شیر درنده می جهیدند
پاچین* عفاف می دریدند
مانند نبات می مکیدند
در بحر گناه می تپیدند
مردم همه می جهنمیدند
یکباره به صور می دمیدند
انجم ز سپهر می رمیدند
طلاب علوم رو سفیدند
از رونق ملک ناامیدند

ایرج مرزا

ارباب عمائم (ترکیب اضافی، مرکب) ارباب عمائم معمم ها، روحانیان، طلاب علوم قدیم که لباس خاصی دارند و بجای کلاه سرپیچی سپید از پارچه نازک

بر سر گذارند و اگر سید باشند عمامه آنان سیاه یا سبز باشد

مُعَمَّم: صاحب عمامه و دستار

عمامه: تکه ای که به دور سر می پیچند، لنگی دستار

پیچه : روینده زنان به رنگ سیاه برقع، حجاب، روبند، نقاب
پاچین: تُنکه زنانه که سر تا پای آن را چین داده باشند پیجامه، تنبان، زیرجامه، زیرشلواری دُولاق
دُولاق دُولاغ: در ترکیب اصطلاحی «چادر ودولاق» به معنی چاقچور است
وكرات: وُكر. [وُك] جمع وُكر، به معنی آشیانه مرغ.
حجر: لانه حیوانات درنده، خزندگان، و حشرات موزی